



## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

در ادامه مباحث فقه التریبیه به بررسی مقوله امر به معروف و نهی از منکر خواهیم پرداخت.

### مقدمه اول؛ جایگاه بحث در فقه و کتب روایی

#### یک. در فقه رایج و کتب روایی

بر اساس تبویب مرحوم صاحب شرایع جایگاه مبحث امر به معروف و نهی از منکر در فقه متداول کنونی، ادامه بحث جهاد می باشد. البته در برخی تبویبات فقهی این مبحث در جایگاه های دیگری نیز آورده شده است. در کتب روایی نیز غالباً به همین ترتیب است و پس از طرح کتاب جهاد و جهاد نفس، کتاب امر به معروف و نهی از منکر آورده شده است. این جایگاه موجود در فقه رایج با مبحث امر به معروف و نهی از منکر متناسب می باشد، زیرا جهاد عملیاتی است که برای ایجاد تغییر صورت می گیرد و امر به معروف و نهی از منکر نیز چنین عملیاتی است.

#### دو. در فقه التریبیه

نکته ای وجود دارد که موجب می شود امر به معروف و نهی از منکر در تبویب فقه تربیتی صلاحیت یک تغییر جایگاه را داشته باشد.

#### تناسب امر به معروف و نهی از منکر با فعالیت های تربیتی

نکته مزبور این است که در تعریف ارائه شده از فقه تربیتی در جلد اول بیان شد که مقصود از تربیت تمام رفتارهایی است که در مقام ایجاد تغییر در دیگران از مری صادر می شود؛ به عبارت دیگر تربیت شامل فعالیت هایی است که به منظور تغییر در ذهن و شخصیت و رفتار و ... دیگران از کسی صادر می شود. طبق این تعریف تربیت، مبحث امر به معروف و نهی از منکر جایگاهی تربیتی خواهد یافت. همان گونه که در جلد اول از کتاب فقه التریبیه بیان شده است، می توان برای واژه «تربیت» بیش از بیست گونه تفسیر ارائه نمود. تفسیری که در فقه تربیتی برای این واژه بیان نمودیم، عام ترین معنای تربیت می باشد؛ یعنی تمام فعالیت های اختیاری که از یک مری یا فردی به منظور ایجاد تغییر در شخص دیگر یا گروه دیگری صادر می شود، اگرچه این تغییر در حوزه سلامت، یا در حوزه علم و دانش، یا در حوزه اخلاق و شخصیت و ... آن فرد یا گروه باشد. تمام این حوزه ها با تفصیلاتی که در جلد اول آورده شده است، مشمول مفهوم تربیت می باشند. برای اینکه تربیت مشمول احکام شود قیدی برای آن ذکر کردیم و آن، قید اختیاری بودن تربیت است. در هر حال تربیت یعنی عملی که از کسی صادر می شود تا تغییری در فرد دیگر ایجاد کند. اگر تربیت را این گونه معنا و تفسیر کنیم، در این صورت فقه تربیتی به فعالیت هایی که در این محدوده و قلمرو قرار گیرند، می پردازد. فعالیت هایی که به منظور ایجاد تغییر هستند، اعم از فعالیت های برانگیزاننده و بازدارنده هستند و تغییری که در اثر تربیت ایجاد می شود می تواند در حوزه ذهن متربی و از نظر علمی به وجود آید، یا در حوزه شخصیت و اخلاق و یا در حوزه رفتار او باشد، تربیت مورد نظر فقه تربیتی، تمام این موارد را شامل می شود.



امر به معروف و نهی از منکر نیز از جمله این فعالیت‌ها است، یعنی فعالیتی است که برای اصلاح رفتار فرد، برانگیختن او به انجام کاری و یا بازداشتن او از انجام عملی، انجام می‌گیرد. - البته با ویژگی‌هایی که در طی بحث عرض خواهیم کرد. - بنا بر تعریف عامی که از عمل تربیتی ارائه شد، کار امر به معروف و نهی از منکر، منطبق بر یک کار تربیتی است.

### تناسب جهاد با فعالیت‌های تربیتی

ممکن است سؤال شود که آیا جهاد نیز مشمول فعالیت‌های تربیتی می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، در اقداماتی که برای جهاد انجام می‌شود نیز رگه‌ای از تربیت به معنای مقصود در فقه التریبه وجود دارد. با این بیان که در جهاد ابتدایی و در طی عملیات جهاد، پیروزی جبهه حق، تحولاتی را در جبهه باطل ایجاد می‌کند، اما ذات جهاد و عنصر اصلی و پایه آن رفع موانع فیزیکی و سرکوب معاندین است، چون این بعد در جهاد وجود دارد، جنبه تربیتی برجسته‌ای در آن به چشم نمی‌خورد؛ بنابراین جهاد دارای دو بعد و دو حیثیت است؛

- ۱) رفع موانع فیزیکی؛ در قتال و جهاد یک بعد آن قتل و کشتن و برداشتن موانع فیزیکی است.
  - ۲) زمینه‌سازی تربیت؛ بعد دوم جهاد این است که در اثر عملیات جهاد و پس از شکست دشمن، بستری فراهم می‌شود تا افراد زیادی به سمت اسلام و حق هدایت شده، آن را بپذیرند.
- حیثیت دوم جهاد، همان بعد تربیتی آن است. بعد تربیتی مطابق با مفهومی که در فقه التریبه بیان شده است. اما به دلیل برجسته و ممتاز بودن حیثیت اول جهاد بعد دوم آن تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

### تفاوت میان جهاد و امر به معروف و نهی از منکر

بنابراین جهاد دو بعد دارد؛ بعد قلع و قمعی است که بیرون از تعریف تربیت است و بعد دیگر، زمینه‌سازی برای تربیت است. عنوان تربیت بر بعد اول جهاد صادق نیست، اما بعد دوم از مهدات تربیت است، البته نمی‌توان این بعد را به طور مستقیم برای جهاد بیان نمود ولی می‌توان آن را از عملیات تمهیدی تربیت بشمار آورد یعنی بعد از اینکه جبهه حق پیروز شد، جهاد موفقیت‌آمیز برای کسانی که شکست خورده و یا ناظر این اتفاق بودند، زمینه‌ای برای پیشرفت تربیتی و معارفی خواهد بود.

اما امر به معروف و نهی از منکر برعکس جهاد است، زیرا اصل امر به معروف و نهی از منکر درون‌مایه‌ای تربیتی دارد. طبق معنای عام تربیتی مقصود در فقه التریبه یعنی اگر مطابق قول مشهور فرمان دادن را مقوم امر به معروف و نهی از منکر در نظر بگیریم. فرد توسط فرمان دادن اقدام به امر به معروف و نهی از منکر می‌کند تا فردی نماز بخواند، یا روزه بگیرد و مقید به واجبات باشد، یا این که به وسیله فرمان دادن اقدامی برای پرهیز فردی از منهیات انجام می‌دهد. حداقل نتیجه این اقدام این است که امر به معروف و نهی از منکر رفتار فرد را اصلاح می‌کند.

گفته شد تربیت اعم از اصلاح شخصیت در ابعاد ذهنی و علمی یا ابعاد روحی و اخلاقی و یا اصلاح در رفتار است. اگر بگوییم عملیات امر به معروف و نهی از منکر کار به حوزه‌های درونی و جوانخی فرد ندارد، قدر متیقن آن این است که تغییرات جوانخی ایجاد کرده، نظام رفتاری شخص را در منهیات و طاعات منطبق بر نظام رفتاری دین می‌کند، این بعد از امر به معروف و نهی از منکر بعد اول امر به معروف و نهی از منکر است و در تعریف فقه التریبه. که در جلد اول بیان شد می‌گنجد.

بعد دیگری نیز در امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که متمایل به سمت اقدامات عملی است و احیاناً شکل جهادی پیدا می‌کند. اگر بگوییم چنین اقداماتی مناط به امر به معروف و نهی از منکر هستند، در این موارد امر به معروف و نهی از منکر مقداری از صبغه اصلاح و تغییر دور شده، جنبه عملیات مقابله فیزیکی و رفع موانع در آن وجود خواهد داشت. البته تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر به



مرحله عملیات ضرب و جرح و ... نرسیده است و یا امر به معروف و نهی از منکر به این مرحله رسیده، اما فرد آمر یا ناهی آن عمل را انجام نمی‌دهد یا اگر انجام می‌دهد، اقدام او نوعی عمل تربیتی است، منتها این مرحله از عوامل تربیتی سخت است و مشمول تربیت می‌باشد؛ اما اگر اقداماتی مانند قتل را جزء مراتب امر به معروف و نهی از منکر قرار دهیم، این مراتب از شمول تربیت بیرون می‌آیند.

### جمع‌بندی

پس می‌بینیم که ذات جهاد، برای آنهایی که مورد قتال و جهاد قرار می‌گیرند، ذات غیر تربیتی است. بنابراین جهاد در تربیت به معنای خاص قرار نمی‌گیرد؛ اما جهت جانبی خیلی مهم در جهاد وجود دارد و آن این است که جهاد بستری برای هدایت جامعه شکست خورده یا ناظر، فراهم می‌کند. فلذا در جهاد یک بستر سازی تربیتی وجود دارد ولی اولاً و بذات، ذات آن غیر تربیت است؛ و اما ذات امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح و تغییر رفتارها مطابق با نظام رفتاری دین است و این امر تربیتی است. ممکن است تربیت در مراتبی از امر به معروف و نهی از منکر، تربیت نرم بوده، در مراتب دیگری از آن تربیت سخت می‌باشد. ممکن است امر به معروف و نهی از منکر در مراتبی - اگر بگوییم قتل و ... را نیز می‌توان به نوعی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفت - از حوزه تربیت بیرون می‌رود که در این مورد بحث وجود دارد که به آنها خواهیم پرداخت.

### تفاوت امر به معروف و نهی از منکر با دفاع

تفاوت امر به معروف و نهی از منکر با دفاع روشن‌تر از تفاوت آن با جهاد است، زیرا در دفاع، مدافع در پی این نیست که تغییری در دیگری ایجاد کند، بلکه می‌خواهد ضربه نخورد فلذا تفاوت دفاع با امر به معروف و نهی از منکر خیلی واضح است.

### نتایج مقدمه اول

از آنچه در مقدمه اول بیان شد نتایج زیر به دست می‌آید؛

۱) نکته اول این است که شمول فقه التریبه نسبت به جهاد بالعرض و از حیث ثانوی است؛ و بالعکس امر به معروف و نهی از منکر؛ مگر در برخی مراتب از آن، که درون فقه التریبه جا می‌گیرد. به این جهت کتاب امر به معروف و نهی از منکر در ضمن مباحث و به عنوان بابی از فقه التریبه قرار می‌گیرد. به این ترتیب اگر فقه التریبه را به عنوان منظومه‌ای از مباحث فقهی قرار دهیم باید فقه امر به معروف و نهی از منکر نیز ذیل آن بگنجد.

### مقدمه دوم؛ پیشینه بحث امر به معروف و نهی از منکر

مبحث امر به معروف و نهی از منکر بر خلاف مباحث مکاسب محرمه، به این شکل نیست که در قرن اخیر منابع زیاد و کارهای وسیعی را در آن شاهد باشیم. در مکاسب به بیست منبع مراجعه می‌کنید که ده مورد مربوط به یک قرن اخیر است و تغییرات جدید و دامنه‌داری پیرامون آن انجام گرفته است ولی در امر به معروف و نهی از منکر مع الأسف این‌طور نیست، یعنی غیر از کتاب‌های متقدمین که ریاض و مستند و تذکره و ... است و کمتر مراجعه می‌کنیم، الآن آنچه که دست من است جواهر جلد ۲۱ و مذهب الاحکام آقای سبزواری جلد ۱۵ است، مقالاتی نیز به صورت دسته‌وگرفته وجود دارد؛ ولی کاری که از امام یا آقای خویی یا آقای تبریزی باشد من چیزی در دست ندارم. منبع قابل دسترسی برای امر به معروف و نهی از منکر محدود است و کارهای وسیعی انجام نشده است. البته این نکته را توجه دارید که مقوله امر به معروف و نهی از منکر از مسائل مستحدثه نیست و لذا هم در آیات و روایات و هم در متون فقهی از همان کتب قرون اولیه، گرچه



عنوان کتاب امر به معروف و نهی از منکر ندارد، ادامه جهاد به عنوان خاتمه و تنمهای به آن پرداخته شده است و لذا این قوت در آن وجود دارد و از مسائل مستحدثه نیست که بخواهیم چیزهای جدیدی راجع به آن پیدا کنیم و مضمون سازی و مفهوم سازی و ادبیات سازی کنیم. امر به معروف و نهی از منکر ادبیات ثابت و پایدار فقهی دارد. سابقه تاریخی آن نیز، هم در عامه و هم خاصه، جای کار دارد. لذا می شود نوعی فقه مأثور داشته باشیم؛ برای اینکه در منابع کتاب و سنت، این واژگان و ادبیات، با همین تعبیر وجود داشته است. در کتب فقهی متقدمین اعم از عامه و خاصه، امر به معروف و نهی از منکر از جایگاه و پایگاه ویژه ای برخوردار است.

امر به معروف و نهی از منکر ادبیات سازی نمی خواهد، ادبیات، منابع، مستندات و... در عامه و خاصه هم کتاباً و سنتاً و هم به لحاظ منابع فقهی ادبیاتش موجود است و سابقه دارد. منتها در قرون متأخر چاقی لازم را پیدا نکرده است. این را مقدمه دوم قرار می دهیم.

### جمع بندی مقدمه

ما دو مقدمه ذکر کردیم؛

۱. تفاوت جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و اینکه امر به معروف و نهی از منکر در تعریف فقه التریبه می گنجد و لذا در منظومه فقه التریبه قرار می گیرد.

۲. امر به معروف و نهی از منکر از مباحثی است که قدمت تاریخی دارد، هم به لحاظ منابع اصلی کتاب و سنت و هم از لحاظ منابع فقهی؛ اما در قرون متأخر کارهای جامع بسیار عمیق مستوعب درباره اش انجام نشده است.

### تبویب مباحث فقهی از نظر استاد اعرافی

در تبویب و طبقه بندی ابواب فقهی عریضی داریم و به اختصار در اینجا اشاره می شود؛ طبقه بندی ها خیلی مهم است ولی می توان با برش های متفاوت انواع طبقه بندی ها را ایجاد کرد. برای روشن شدن بحث مثالی را ذکر می کنیم؛ در یک نگاه می توان امر به معروف و نهی از منکر را از جایگاه موجود برداشته و در فقه التریبه گنجانده، همان نگاهی که در متن از آن دفاع شد؛ و در نگاه دیگری نسبت به امر به معروف و نهی از منکر و با در نظر گرفتن اینکه تربیت، عملیاتی باشد که برای ایجاد تغییرات به معنای عام در جامعه انجام می شود. یعنی فراتر از تعریف تربیت در فقه التریبه. در آن صورت جهاد و امر به معروف و نهی از منکر کنار هم قرار می گیرند فلذا می توانیم امر به معروف و نهی از منکر را به یک معنا و با ملاحظات به جهاد وصل کنیم ولی به معنای دیگر می توانیم آن را در منظومه فقه التریبه قرار دهیم. همان طور که جهاد را به لحاظ بعد عبادی آن می توان داخل در عبادات دانست.

می توان گفت از یک منظر کلی سه نوع تکلیف از ناحیه شارع وجود دارد؛

۱. تکالیفی نسبت به خود مکلف

۲. تکالیفی نسبت به خداوند

۳. تکالیفی نسبت به دیگران

نوع سوم نیز به اقسامی قابل تقسیم است؛ در این صورت جهاد و امر به معروف و فقه التریبه، همه در چنین بخشی با چنین تقسیماتی قرار می گیرند.



به دلیل اینکه بسیاری از ابواب و رفتارها ذوابعد و وجوه هستند، می‌توانیم در طبقه‌بندی‌ها برش‌های گوناگون بزنیم و لذا طبقه‌بندی‌ها هیچ‌وقت نهایی و استاندارد نیست و همواره می‌توان زوایای مختلف را در آنها لحاظ نمود. فلذا علیرغم طبقه‌بندی‌هایی که مرحوم شهید صدر و دیگران آورده‌اند، می‌گوییم همان طبقه‌بندی فقهی صاحب شرایع طبقه‌بندی خیلی خوبی است و تبویات بعدی را در آن می‌گنجانیم.

سؤال: اختیاری یا غیر اختیاری بودن اعمال مری تأثیری در این امر به معروف و نهی از منکر دارد؟

جواب: عمل مری، عمل اختیاری است. ما وظیفه او را تعیین می‌کنیم. این جواب اول که آمر و ناهی به‌عنوان مری است، به معنای عام، نه مری به معنای خاص. مری به معنای خاص را در جلد اول گفتیم. تربیت یعنی هر گونه عملی که برای اصلاح و تغییر در شخصیت در ابعاد درونی یا در ابعاد ظاهری و رفتاری انجام می‌شود. این تعریف امر به معروف و نهی منکر را نیز شامل می‌شود و این اختیاری است. اینکه عمل شخصی که مأمور و منهی است اختیاری است یا غیر اختیاری آن درجات دارد و جای بحث دارد و بعد بحث می‌کنیم. گرچه در بحث مکاسب محرمه در داعی و علی‌الداعی نکته‌هایی گفتیم که به آن هم ربط دارد، حتی در عبادات منافی با قصد قربت هم نیست. امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، با خشونت او را وامی‌دارد، ولی او می‌تواند قصد قربت کند، چون داعی علی‌الداعی است، طولی است. این‌ها نکات ظریفی است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.